یادداشت میهمان

چگونگی مذاکره هوشمندانه و شرافتمندانه!

۱- سخنان دو ماه گذشته رهبرمعظم انقلاب در مورد غیرشرافتمندانه بودن مذاکره با آمریکا و سپس اجازه مذاکره غیرمستقیم دو سوی یک میدان مبارزه است و بخشی از فنون مذاکره واقعی بود! حضرت آقا در آن شرایط مذاکره را شرافتمندانه و هوشمندانه نمی‌دانستند، اما با ایستادگی علی‌وار شرایط جدید مذاکره را بر دشمن تحمیل کردند. پس از تهدیدات و فریبکاری‌های ترامپ، رهبرمعظم انقلاب اول با تخریب شخصیت رئیس‌جمهور آمریکا در اذهان بین‌المللی از طریق پاسخ شجاعانه و مقتدرانه به تهدیدات او و برملا ساختن بی‌ارزش بودن آن تهدیدات، با رد هرگونه مذاکره‌ای رئیس‌جمهور آمریکا را تحقیر و سپس با تحمیل و تثبیت چند راهبرد شرایط را عوض، و سپس با اجازه مذاکره غیرمستقیم، ترامپ را در بهانه‌جویی برای القای هرگونه فعالیت نظامی هسته‌ای ایران خلع سلاح کردند.این یعنی رهبری مذاکره در میدان طراحی شده ترامپ را غیرشرافتمندانه و غیرهوشمندانه خواندند و سپس با طراحی میدان براساس منافع ملت ایران زمینه یک مذاکره هوشمندانه و شرافتمندانه را فراهم کردند!حال اگر تیم مذاکره‌کننده بر اساس سیاست‌های رهبری و در میدان طراحی شده از سوی ایشان عمل نماید و مثل تیم برجام از خطوط قرمز عبور نکند، مذاکرات با هر نتیجه‌ای هوشمندانه و شرافتمندانه خواهد بود.

۲- رهبری با طراحی زمین بازی و با مواضع قاطعانه انقلابی توام با دیپلماتیک، مدیریت تصعید تنش را از دست ترامپ خارج کردند و سپس با تعیین سیاست‌های اصولی از جمله تاکید بر مذاکره غیرمستقیم و تعیین موضوع گفت‌وگو از سوی ایران، مدیریت فضای سیاسی- رسانه‌ای بین ایران و آمریکا به نفع جمهوری اسلامی رقم زدند. با چنین مواضع حکیمانه‌ای ترامپ فعلا مجبور شده درخصوص موضع تهدیدآمیز و گزافه‌گویی‌های خود سکوت کند! لذا اگر خبرها درخصوص سازنده بودن مذاکرات تا اینجای کار درست باشد و این سخن آقای عراقچی بعد از مذاکرات رم را مبنا قرار دهیم که «آمریکایی‌ها تاکنون هیچ بحث غیرمرتبط با موضوع هسته‌ای را مطرح نکردند»، این یک پیروزی برای ایران و ناشی از سیاست حکیمانه رهبری تلقی خواهد شد. چنان‌که خود رسانه‌های غربی حتی عبری فعلا اذعان کردند که «با پایان دور دوم مذاکرات، برآورد این است که کاخ سفید با ادامه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران موافقت نموده و دیگر خواستار برچیدن برنامه هسته‌ای ایران نیست و زیاده‌خواهی‌های پیشین خود درباره از بین رفتن برنامه هسته‌ای ایران را کنار گذاشته است»! لذا اگر به رسمیت شناختن برنامه هسته‌ای ایران از سوی آمریکا در پایان مذاکرات اعلام شود این نیز پیروزی دیگری برای ایران خواهد بود.

۳- نکته بعدی این است که در شرایط کنونی ادامه تقابل با ایران به نفع آمریکا نیست، مثل زمانی که در افغانستان و یا عراق به ایران نیاز داشتند، البته این بار در ابعاد گسترده‌تری. ترامپی که ادعا می‌کند همه برای مذاکره با او حاضرند فلان جایش! را ببوسند، اما خودش برای مذاکره با ایران نامه می‌نویسد، و همچنین با وجود اینکه رهبرمعظم انقلاب به نامه اول ترامپ پاسخ ندادند و تاکید کردند «ترامپ را شایسته پاسخ نمی‌دانم» و فضا را چنان مدیریت کردند که نامه ترامپ زیر نشیمنگاه نخست‌وزیر ژاپن ماند!؛ باز ترامپ به رهبری نامه می‌نویسد و التماس مذاکره می‌کند. این نشانه اقتدار جمهوری اسلامی و نشانه ضعف آمریکا و نیاز ترامپ به مذاکره با ایران است. لذا اینکه مجبور می‌شوند با ایران مذاکره کنند، نشان می‌دهد که تهدیدات و فشارها و تحریم‌های آنها روی ایران اثر نگذاشته و ایران ضعیف نشده و ضعیف نیست، چراکه یک کشور مدعی قلدری با یک کشور ضعیف هیچ‌گاه مذاکره نمی‌کند بلکه به آن حمله می‌کند!؛ مثل عراق و افغانستان و لیبی و... و این نشان می‌دهد سیاست آنها درباره ایران شکست خورده است. اینجاست که سخن رهبری معنا و مفهوم خود را نشان می‌دهد که حدود یک ماه قبل در پاسخ به یاوه‌گویی‌های غربی‌ها و اسرائیلی‌ها فرمودند «آینده مشخص می‌کند که چه طرفی ضعیف است!». این مخصوص آمریکای ترامپ نیست، بلکه رؤسای جمهوری قبلی آمریکا هم درخواست مذاکره داشتند و یا رسما نامه نوشته‌اند، حتی چند نامه! کشوری که ضعیف باشد ۴۵ سال از او درخواست مذاکره نمی‌کنند! آشکار شدن این موضوع یکی دیگر از ابعاد مدیریت حکیمانه صحنه از سوی رهبری است.

۴-اینکه رهبرمعظم انقلاب همزمان با مذاکرات با فرماندهان نیروهای مسلح دیدار و بر «آمادگی حداکثری» تاکید کردند، و به سران کشورهای دوست نامه می‌نویسند و برخی مقامات عربی را به حضور می‌پذیرند و مهم‌تر با مسئولان اجرائی کشور صریح سخن می‌گویند، این اقدامات فضاسازی‌های کاذب در پیرامون مذاکرات را تحت‌الشعاع قرار داد و به آمریکایی‌ها فهماند اولا اولویت اول ایران مذاکره نیست و بار دیگر مشکلات ایران منوط به مذاکره نمی‌شود! و ثانیا دوستان روزهای سخت فراموش نخواهند شد و ارتباطات و روابط ایران با همه کشورها متوازن است و سیاست نه شرقی و نه غربی به معنای عام و خاص آن همچنان پابرجاست و ثالثا مذاکرات به پشتوانه قدرت و اقتدار نیروهای مسلح انجام می‌شود.

۵-سیاست رهبری درباره مذاکره با آمریکا چند وجهی و فراجناحی و فراملی است. اولا تلاش دارند که درخصوص مذاکره با آمریکا جامعه و مسئولان به یک اجماع واحدی برسند که مذاکره بخشی از وظایف وزارت خارجه، و امری عادی و طبیعی است تا مانع شرطی شدن بازار و اقتصاد جامعه نسبت به مذاکرات شوند. ثانیا بر سر اینکه آمریکا بدعهد است و قابل اعتماد نیست، یک وحدت نظر و بصیرت و آگاهی صورت گیرد و برخی را متقاعد کنند که با مذاکره با آمریکا مشکلات کشور حل نمی‌شود بلکه بدتر می‌شود! ثالثا این تلقی عمومی شکل گیرد که اگر تهدیدی متوجه کشور شد، برای دفاع از کشور همه اجماع دارند تا از تشدید فضای سیاسی - رسانه‌ای جلوگیری شود. رابعا طرف مقابل و دشمن را به این نتیجه برسانند که با تحریم و تهدید و فشار و بدون دادن امتیازهای اساسی نمی‌تواند با ایران کنار بیاید.

۶-اولین شرط در پاسخ ایران «مذاکره بدون فشار و تهدید»! و دومین شرط اجرای «تعهدات برجامی» آمریکاست. در نتیجه با توجه به تهدیدات گذشته و اعمال تحریم‌های جدید از سوی ترامپ به نظر می‌رسد عملا مذاکره کنونی پیچیده باشد، مگر یا ترامپ خودشیفته تغییر ۱۸۰ درجه‌ای نسبت به اسلاف خود داشته باشد و یا اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ دهد! نکته مهم این است که اصولا ترامپ با هدف تحت فشار قرار دادن ایران برای مذاکره بر سر قدرت موشکی کشور و حضور مقاومت در منطقه از برجام خارج شد، اما با توجه به اینکه قدرت موشکی و سلاح مقاومت قابل مذاکره نیست و ایران توافقی فراتر از برجام را نمی‌پذیرد، هرگونه توافق احتمالی برای آمریکا یک فضاحت سیاسی بزرگی و برای خود ترامپ یک شکست مفتضحانه قلمداد می‌شود که در نهایت یک پیروزی برای ایران خواهد بود.اما به نظر می‌رسد هدف ایران از ورود مجدد به مذاکره صرفا لغو تحریم‌ها نیست، بلکه اهداف دیگری مدنظر است از جمله: یک- مدیریت و کاهش هیجانات اقتصادی و جلوگیری از التهاب بازار ارزی در سطح ملی و فراهم کردن فضا و شرایط داخل کشور در جهت سرمایه‌گذاری داخلی برای تولید و اتکا به منابع و توانمندی‌های داخلی جهت حل مشکلات مردم و جلوگیری از ایجاد دو قطبی کاذب و بروز احتمالی فتنه‌های مجدد. دو- مدیریت و کاهش تنش در منطقه و اینکه پس از مذاکرات توهمات درخصوص تاثیر تهدیدات ترامپ بر قدرت مقاومت در منطقه از بین خواهد رفت و مقاومت به حمایت‌های ایران امیدوارتر از گذشته خواهد شد. سه- خنثی‌سازی عملیات فریب آمریکا درخصوص سلاح اتمی و مدیریت فضاسازی‌های سیاسی-رسانه‌ای ترامپ در سطح بین‌المللی. و چهار مذاکره با هر دولتی در آمریکا که ادعای مذاکره با ایران داشته باشد، یک نکته مثبت دارد و آن اینکه بعدا هم آیندگان نگویند و هم اکنون عده‌ای فضاسازی نکنند که اگر با فلان دولت آمریکا مذاکره می‌شد، مشکلات کشور حل می‌شد و به مردم و مسئولان می‌فهماند راه‌حل مشکلات مذاکره با آمریکا نیست. و نهایتا بیان شفاف فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و انعکاس اراده قاطع ایران در برابر هرگونه تهدیدی است.

۷- اکنون به خوبی روشن شده است که بحث آشفتگی در تیم ترامپ شاید از واقعیت دورتر است و بازی نقش پلیس بد و خوب توسط دو تیم چیده شده در کاخ سفید به واقعیت نزدیک‌تر باشد، تا جایی که واشنگتن‌پست نیز تلویحا به آن اذعان کرد. اما نکته مهم دیگر سخنان وزیرخارجه آمریکاست که نشان می‌دهد عدم حضور اروپایی‌ها در مذاکرات شاید یک نوع هماهنگی بین آمریکا و اروپا است.روبیو ادعا کرده «فرانسه، آلمان و انگلیس پس از مشاهده گزارش جدید آژانس به زودی باید تصمیم مهمی درباره بازگرداندن تحریم‌ها(اسنپ بک) بگیرند؛ چرا که ایران به وضوح از مفاد توافق فعلی تخطی کرده است.»! این نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها را دور از مذاکرات نگه داشته‌اند تا بتوانند همزمان با هرگونه توافق احتمالی؛ احتمالا تحریم‌ها را حفظ کنند! که اگر اروپایی‌ها دست به این اقدام بزنند بین خود و ایران شکاف ایجاد می‌کنند و به نفع آمریکاست.و اگر به فشار آمریکا تن ندهند با آمریکا دچار چالش می‌شوند، بخصوص با وجود جنگ تعرفه‌ای!. در نتیجه در صورت هرگونه توافقی یکی از تضمین‌ها باید برگشت آمریکا به برجام و لغو مکانیسم ماشه و یا خروج ایران از برجام جهت جلوگیری از فعال شدن مکانیسم ماشه از سوی اروپایی‌ها باشد. لذا موضع قاطع و عدم نرمش در مذاکرات می‌تواند برای ملت ایران دستاورد مهمی را رقم بزند.

دکتر محمدحسین محترم

ارائه پیشنهادات عملیاتی رئیس قوه قضائیه در اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو شانگهای

رئیس قوه قضائیه در مراسم افتتاحیه بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، در شهر هانگژو چین، به سخنرانی پرداخت.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای در سخنان خود در افتتاحیه بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، ۸ راهکار عملیاتی و مشخص را برای توسعه هرچه بیشتر هماهنگی‌ها و همکاری‌های حقوقی و قضائی کشورهای عضو پیشنهاد کرد.

این ۸ راهکار عبارتند از: تقویت همکاری‌های قضائی در مبارزه با جرائم فراملی از طریق ایجاد سازوکارهای مشترک، مانند: تأسیس «پلتفرم اشتراک اطلاعات قضائی» بین کشورهای عضو برای تسریع در تعقیب مجرمان و تشکیل نیروی ویژه مشترک جهت مقابله با شبکه‌های قاچاق موادمخدر. هماهنگ‌سازی قوانین برای مقابله با تروریسم از طریق توسعه چارچوب‌های حقوقی برای محاکمه تروریست‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده از فضای مجازی توسط آنان. توسعه دیپلماسی قضائی در حوزه جرائم سایبری با تشکیل کمیته مشترک سایبری برای تدوین استانداردهای جمع‌آوری ادله دیجیتال و برگزاری رزمایش‌های مشترک برای شبیه‌سازی حملات سایبری و پاسخگویی قضائی. کاهش اختلافات تجاری با تأسیس «مرکز داوری بین‌المللی سازمان همکاری شانگهای» برای رسیدگی به اختلافات اقتصادی. مبارزه با قاچاق انسان و حمایت از قربانیان از طریق تقویت قوانین حمایتی و همکاری در زمینه استرداد مجرمان، ایجاد بانک اطلاعاتی مشترک درباره گروه‌های قاچاق انسان و ارائه برنامه‌های بازپروری قربانیان با مشارکت سازمان‌های مردم نهاد. حفاظت از محیط زیست و مقابله با جرائم زیست محیطی فرامرزی مانند قاچاق پسماند و آلودگی آب‌ها از طریق تصویب پروتکل مشترک برای تعقیب قضائی جرائم زیست محیطی و ایجاد شبکه نظارتی برای رصد تخلفات در مناطق مرزی. تبادل تجربیات در هوشمندسازی نظام‌های قضائی با هدف بهبود کارآمدی دادرسی با استفاده از فناوری‌های نوین از طریق برگزاری اجلاس سالانه درباره تحول دیجیتال در نظام‌های قضائی و ایجاد سکوی آموزش برخط برای قضات در زمینه فناوری اطلاعات. تقویت گفت‌وگو میان نظام‌های قضائی با هدف ترویج درک متقابل نظام‌های حقوقی از طریق تأسیس «مرکز آموزش و پژوهش‌های حقوقی سازمان همکاری شانگهای» برای برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات و پلیس در زمینه جرائم نوین، انجام مطالعات تطبیقی و انتشار نشریه مشترک درباره چالش‌های حقوقی.

رئیس عدلیه همچنین در مراسم اختتامیه بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، در شهر هانگژو چین، به سخنرانی پرداخت.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای در پایان، ۶ راهکار راهبردی و عملیاتی را جهت تقویت همکاری‌های بیشتر قضائی بین کشورهای عضو سازمان شانگهای ارائه کرد که این راهکارها بدین شرح می‌باشند: ایجاد یک شبکه حقوقی مشترک برای مبارزه با جرایم فراملی از قبیل مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و جرایم اقتصادی؛ برگزاری نشست‌های تخصصی حقوقی و قضائی برای افزایش هماهنگی و اشتراک نظر در مفاهیم و مصادیق؛ برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه حقوق بشر و ارتقاء عدالت اجتماعی؛ تقویت شفافیت در مبارزه با فساد به منظور افزایش اعتماد عمومی به نظام‌های قضائی؛ تسهیل در سرمایه‌گذاری و تقویت امنیت اقتصادی؛ کمک به امنیت غذایی و بهداشت جهانی.

در جریان بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، در شهر هانگژو چین به غیر از رئیس قوه قضائیه، محمد کاظمی‌فرد رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه، اصغر جهانگیر معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه و ناصر سراج معاون معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، سخنرانی داشتند.

تشریح دستاوردهای حضور هیئت عالی قضائی جمهوری اسلامی ایران در اجلاس شانگهای

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، در بازگشت از سفر به چین، طی مصاحبه‌ای به تشریح دستاوردهای حضور هیئت عالی قضائی جمهوری اسلامی ایران در بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای پرداخت.

رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه سازمان همکاری شانگهای از جمله سازمان‌های بین‌المللی است که دارای ظرفیت بسیار بالایی از لحاظ جغرافیایی و جمعیتی می‌باشد، گفت: در جریان بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، پیرامون مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به دستگاه‌های قضائی کشورهای عضو سازمان، مباحثی مطرح شد و گفت‌وگوهایی صورت گرفت؛ در این اجلاس ضمن اشاره به برخی خلأهای قانونی در حوزه مسائل حقوقی و قضائی، پیشنهاداتی در راستای انتفاع بیشتر کشورهای عضو سازمان مطرح گردید؛ همچنین، فرصت‌ها و آسیب‌های حوزه هوش مصنوعی نیز در این نشست مورد بررسی قرار گرفت و نقطه‌نظرات اعضا در این زمینه ارائه شد.

رئیس قوه قضائیه ادامه داد: همکاران ما نیز در حاشیه برگزاری اجلاس، در چند نشست کمیته‌های تخصصی شرکت کردند. محسنی اژه‌ای گفت: در جریان این اجلاس، مقرر گردید که بیست و یکمین نشست رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، سال آینده در ایران برگزار شود.

وی با اشاره به دیدارهای خود با رئیس دیوان عالی و همچنین عضو عالی‌رتبه کمیته مرکزی و رئیس کمیسیون سیاسی و حقوقی حزب حاکم چین، اظهار کرد: در جریان این جلسات، گفت‌وگوهای خوب و مفیدی درخصوص مسائل قضائی، اطلاعاتی و امنیتی صورت گرفت.

رئیس قوه قضائیه بیان داشت: در حاشیه بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، با عالی‌ترین مقامات قضائی ۷ کشور دیدارهای دوجانبه‌ای را برگزار کردیم؛ در جریان این دیدارهای دوجانبه، گفت‌وگوهای مفیدی در رابطه با موضوعات مختلف حقوقی و قضائی به خصوص چالش‌ها، مشکلات و خلأهای قانونی مرتبط با حوزه فناوری‌های نوین، فضای مجازی و هوش مصنوعی صورت گرفت.

محسنی اژه‌ای عنوان کرد: امیدواریم نتیجه سفر و حضور ما در بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، تامین هرچه بیشتر منافع و مصالح ایران اسلامی و سایر کشورهای همسو با ما باشد.

مصاحبه محسنی اژه‌ای با رسانه‌های چینی

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران که به منظور شرکت در بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، به شهر هانگژو چین سفر کرده بود، در مصاحبه با سه رسانه چینی «سی‌جی‌تی‌ان»، «چاینا دیلی» و «شینهوا»، به تشریح اهداف سفر هیئت عالی قضائی جمهوری اسلامی ایران به چین و تبیین ظرفیت‌های بالای کشورهای سازمان شانگهای برای توسعه مناسبات و تعاملات قضائی و حقوقی و همچنین تبیین مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در راستای استقرار و تثبیت صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با اَشکال تروریسم، پرداخت.

خبر ویژه

بیخود نگفته‌اند که دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید!

در حالی که سیاستمداران و نظریه پردازان حتی در آمریکا می‌گویند ترامپ با بی‌قانونی‌هایش، نظم بین‌المللی را به هم ریخته است، محکوم پرونده فروش اطلاعات به بیگانگان، حق را به جانب ترامپ داد!

عباس عبدی در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد، به جای اعتراض به یاغیگری دولتمردان آمریکایی به ویژه ترامپ، مدعی شد: مسئله اصلی ما تنش با آمریکا نیست. این اشتباهی است که تحلیلگران می‌کنند. مسئله اصلی سیاست داخلی است. باید از داخل آغاز کرد. یکی از مهم‌ترین علل شکست برجام رویکرد غالب بر آن بود که گمان می‌کرد حل مسائل ایران مشروط به حل مسائل خارجی آن است. این برداشت عقیم و ناکارآمد است.

وی افزود: برداشت کلی من این است که طرف ایرانی در بالاترین سطح تصمیم به توافق گرفته است. اگر اتفاقی رخ ندهد، به نظرم توافق خواهند کرد. مانع اصلی در خارج نتانیاهو است و در داخل هم تندروها هستند که البته خیلی ضعیف شده و به حاشیه رفته‌اند. با این حال نمی‌دانیم که سطح توافقات در چه حد است؟ راهبردی است یا تاکتیکی و مقطعی؟ آیا با روابط اقتصادی تحکیم و تثبیت می‌شود یا دوباره به دوره پس از برجام خواهیم رسید؟ آیا با اصلاحات در سیاست داخلی همراه خواهد شد که به تثبیت وضعیت سیاست منجر شود؟ در سوی مقابل معتقدم که ترامپ نیاز دارد توافقی صورت گیرد.

وی همچنین درباره تضمین مذاکرات هم از ترامپ دفاع کرد و گفت: ایران نوبت پیش با ۱+۵، چرا موفق نشد؟ در واقع ایران همواره سعی کرده که یک واقعیت مهم در نظام بین‌الملل را نادیده بگیرد. علت خروج ترامپ از برجام هم همین بود. در واقع همان سال ۱۳۹۷ اگر با ترامپ توافق می‌شد، شاید در حد همان برجام هم در قالب توافق دوجانبه می‌پذیرفت. چون او می‌خواهد بگوید که مسئله شما با ماست و نه با دیگر کشورها. ایران این را حالا پذیرفته است. اگر به تبعات این پذیرش ملتزم باشد، بحثی و اختلافی نمی‌ماند، و نیاز چندانی به تضمین‌های آنچنانی نیست؛ و اگر این واقعیت را نپذیرد و دوباره راه دیگری را برود هیچ تضمینی کارساز نخواهد بود. ایران در برجام این واقعیت را انکار کرد. چگونه؟ از طریق نپذیرفتن ادامه برجام در امور منطقه‌ای و جلوگیری از روابط اقتصادی دو جانبه و ادامه سیاست‌های منطقه‌ای. خروج ترامپ از برجام به معنای این بود که نشان دهد، ۵ کشور دیگر کاتالیزور این توافق هستند و آنها در کنار آمریکا ۶ کشور نیستند، بلکه توافق فقط با آمریکا است و بقیه دورچین توافق هستند و ایران خواست دورچین را اصالت دهد که نشد. علت شکست برجام همین بود. به نظرم ایران باید نگاه خود به نظم بین‌الملل را اصلاح می‌کرد. این مذاکرات نشانه این تغییر نگاه است و باید به تبعات این تغییر رویکرد ملتزم باشد.

محکوم پرونده فروش اطلاعات به بیگانگان در پاسخ به این سؤال که «نهایت دستاورد معقولی که ایران می‌تواند از مذاکرات برداشت کند کدام موارد است؟»، گفته است: «دستاورد اصلی ملتزم بودن به مفهوم و فلسفه پذیرش این مذاکرات است که پذیرش نظم بین‌المللی موجود است. بدون پذیرش این اصل این مذاکرات بی‌معنا است و هر نتیجه‌ای هم که داشته باشد فوری از دست خواهد رفت، همچنان که در برجام شاهد آن بودیم. ایران برجام را بدون فلسفه و روح کلی آن پذیرفته بود».

در حالی اکنون بالاترین اجماع در مقابل عهدشکنی و زیاده‌خواهی ترامپ وجود دارد و حتی متحدان آمریکا هم به خاطر عملکرد ترامپ بی‌اعتماد شده‌اند، جای تأمل است که چگونه یک نشریه داخلی به خود اجازه می‌دهد حق را به ترامپ بدهد و طرف ایرانی را متهم کند؟! هدف از انداختن توپ به زمین ایران چیست در حالی که طرف ایرانی به خاطر بی‌صفتی و یاغیگری ترامپ متضرر شد؟ در حالی که نزدیک‌ترین متحدان آمریکا مورد توهین و تحقیر و پیمان‌شکنی‌های ترامپ قرار می‌گیرند و ابراز بی‌اعتمادی شدید می‌کنند، چرا روزنامه وابسته به رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت باید از زبان یک مجرم امنیتی بد سابقه، ترامپ را تبرئه کند و به او حق بدهد؟!

آیا اروپا و اوکراین و کانادا و دانمارک هم نظم بین‌المللی ادعایی مجرم امنیتی را نادیده گرفته‌اند که در معرض یاغیگری‌های ترامپ قرار دارند؟ این چه نظمی است که ترامپ هر روز در آن قاعده تازه‌ای در تناقض با خرده فرمایشات روز قبل خودش وضع می‌کند و مواضع قبلی‌اش را زیر پا می‌گذارد؟ در شرایطی که صاحب‌نظران غربی درباره فروپاشی نظم جهانی و هرج و مرج ناشی از رفتار دیوانه‌وار ترامپ هشدار می‌دهند، چرا کسانی به خود اجازه می‌دهند بر همین رویکرد دیوانه‌وار و روان‌پریشانه، جامه حقانیت و عقلانیت بپوشانند؟ از سر مزدوری یا لجبازی احمقانه و یا هردو؟! بیخود نیست که گفته‌اند: دیوانه چو دیوانه ببیند، خوشش آید!

نکته آخر اینکه هر سه دولت اوباما و ترامپ و بایدن، برجام را زیر پا گذاشتند، چون آمریکا، امتیاز نقد هسته‌ای را پیشاپیش گرفته و خاطرش جمع بود. حالا اگر بنا بود همین مدل معیوب به اقتدار نظامی و نفوذ منطقه‌ای ایران هم توسعه داده شود، دیگر چیزی از قدرت بازدارنده کشور باقی نمی‌ماند و آنگاه تهدیدهای نظامی به اقدام نظامی تبدیل می‌شد. اما حالا همان دشمن هرگاه به اقدام نظامی فکر می‌کند، بلافاصله اعمال اقتدار در عین‌الاسد و پایگاه‌های نظامی رژیم صهیونیستی را به یاد می‌آورد که به اذعان برخی مقامات آمریکا و اسرائیل، اقتدار هشتاد ساله طرف غربی را درهم شکست.

لس‌آنجلس تایمز: دولت ترامپ در مذاکره با ایران سر درگم است

رسانه‌های آمریکایی اذعان دارند که زیاده‌خواهی‌های دولت ترامپ می‌تواند مانع پیشرفت مذاکرات با ایران شود و آن را به شکست بکشاند.

روزنامه لس‌آنجلس تایمز با بیان اینکه چند عامل کلیدی، توافق ایران و آمریکا را دشوار می‌کند، به دمدمی مزاجی ترامپ اشاره کرد و نوشت: به‌نظر می‌رسد که دولت ترامپ درباره هدف نهائی مذاکرات، دچار اختلاف نظر است. در ذهن ترامپ، هدف روشن است: ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. اما او اغلب نظرش را بر اساس آخرین فردی که با او صحبت کرده، تغییر می‌دهد. ترامپ چند روز پس از آنکه هدف نسبتاً محدود «بدون سلاح» را مطرح کرد، گفت: «ایران باید از اساس مفهوم سلاح هسته‌ای را کنار بگذارد»، که این جمله به این معناست که تأسیسات غنی‌سازی ایران باید برای همیشه تعطیل شوند.

استیو ویتکوف در حال بررسی این ایده بوده که برنامه‌ای سخت‌گیرانه برای راستی‌آزمایی و نظارت طراحی شود تا اطمینان حاصل شود که تهران نمی‌تواند دانش هسته‌ای خود را به سمت تولید سلاح سوق دهد. نکته طنز ماجرا اینجاست که این دقیقاً همان توافقی است که ترامپ می‌توانست از دولت اوباما به ارث ببرد اگر در سال ۲۰۱۸ از توافق خارج نشده بود. در همین حال، مشاور امنیت ملی، و وزیر ترامپ، مارکو روبیو، چنین صحبت می‌کنند که گویی ایران باید همه‌چیز را کنار بگذارد.

محافل رقیب در داخل دولت ترامپ بر سر سیاست ایران با یکدیگر درگیر هستند و تا زمانی که این اختلاف‌نظرها حل نشود، مذاکره با محتوای واقعی با ایرانی‌ها آغاز نخواهد شد. اگر والتز و روبیو پیروز این جدال شوند، مذاکرات از همان ابتدا محکوم به شکست است. موفقیت یا شکست دیپلماسی، بستگی دارد به اینکه طرفین چقدر در پای میز مذاکره انعطاف‌پذیر باشند. خواسته‌های آمریکا باید منطقی باشند، نه حداکثری.

لس‌آنجلس تایمز می‌افزاید: طبق گزارش رسانه‌ها، مقامات ایرانی از ترامپ خواسته‌اند تضمین دهد که او یا هر رئیس‌جمهور آینده‌ای در آمریکا از توافقی که حاصل شود، خارج نخواهد شد. با توجه به سابقه خروج واشنگتن از برجام تنها سه سال پس از امضایش و بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران، نمی‌توان ایران را برای چنین درخواستی سرزنش کرد.

مشکل اینجاست که هیچ رئیس‌جمهوری در آمریکا نمی‌تواند چنین تضمینی بدهد. دولت ترامپ همان پاسخی را به ایران خواهد داد که دولت بایدن در مذاکرات ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ داد: هیچ رئیس‌جمهوری به‌طور قانونی نمی‌تواند دولت آینده آمریکا را متعهد کند. حتی معاهده‌ای که به تصویب سنا برسد ـ که محکم‌ترین نوع توافق بین‌المللی برای ایالات متحده است ـ نیز تضمینی برای اجرای پایدار آن محسوب نمی‌شود.

رؤسای‌جمهور پیشین آمریکا در گذشته از معاهدات خارج شده‌اند (ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد و پیمان آسمان‌های باز خارج شد) و بدون شک رؤسای‌جمهور در آینده نیز چنین خواهند کرد. اگر ایران در این موضوع انعطاف نشان ندهد یا دو طرف نتوانند به ترتیبی دیگر دست یابند که حداقل در مرحله اجرا موجب پاسخگویی شود، آنگاه دیپلماسی در معرض شکست قرار می‌گیرد.

در همین حال، لارنس نورمن، خبرنگار وال استریت ژورنال نوشت: روبیو وزیرخارجه آمریکا بالاخره پس‌زمینه تغییر ناگهانی موضع ویتکاف درباره غنی‌سازی را شرح داد. ایده واشنگتن این است که سوخت مورد نیاز برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران از خارج تأمین شود. اما هر کسی که تاریخچه مذاکرات هسته‌ای با ایران را می‌داند، می‌داند که این ایده اصلاً جدید نیست. این ایده سابقه‌ای طولانی دارد و بار دیگر با این پاسخ ایران مواجه خواهد شد که آن‌ها هرگز به سوخت خارجی، به‌ویژه سوخت تأمین‌شده از سوی آمریکا، اتکا نخواهند کرد، و تنها تضمین واقعی، غنی‌سازی داخلی است.

آمریکا می‌گوید اشکالی ندارد که ایران سوخت برای برنامه غیرنظامی داشته باشد. اما اجازه غنی‌سازی داخلی را هم نمی‌دهیم. از آن طرف ایران می‌گوید غنی‌سازی خط قرمز ماست. بیایید سرمایه‌گذاری کنید و از رشد صنعت هسته‌ای ما سود ببرید. نشست عمان جالب خواهد بود. از سوی دیگر روزنامه گاردین خبر داد که ایران، درخواست آمریکا برای توقف غنی‌سازی اورانیوم داخلی و تکیه بر واردات سوخت هسته‌ای را رد کرده است. این روزنامه می‌نویسد: واشنگتن پیشنهاد داده بود تهران به جای تولید سوخت، اورانیوم با غنای پایین وارد کند. اما یک مقام ارشد ایرانی گفت: «هیچ کشوری امنیت انرژی‌اش را به واردات وابسته نمی‌کند. غنی‌سازی داخلی، بخشی از استقلال فناورانه ماست.» ایران تأکید دارد که غنی‌سازی در داخل کشور غیرقابل مذاکره است.

رسانه آمریکایی آکسیوس هم درباره اختلافات عراقچی و ویتکاف در مذاکرات نوشت: سید عباس عراقچی به استیو ویتکاف اعلام کرده است که دستیابی به توافق نهائی مطابق زمان‌بندی پیشنهادی دونالد ترامپ امکان‌پذیر نیست.

گفت و شنود

باباشو میخواد!

گفت: ترامپ گفته است؛ «اگر نتوانیم به توافقی دست پیدا کنیم، ممکن است با کمال میل وارد جنگ شوم و من رهبر گروه خواهم بود»!

گفتم: غلط زیادی کرده! خُب دیگه چه خبر؟!

گفت: او گفته «من اسرائیل را از حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران منع نکرده‌ام هر وقت بخواهد می‌تواند به ایران حمله کند»!

گفتم: اسرائیل سگ هار آمریکاست. اگر بخواهد پاچه بگیرد، علاوه بر سگ، صاحب سگ هم جان سالم به در نخواهد بُرد!

گفت: ترامپ تا حالا خیلی از این قُمپزها در کرده و بعدش مجبور به عقب‌نشینی شده. در جنگ تعرفه‌ها با کانادا عقب‌نشینی کرد. دیروز در جنگ تعرفه‌ها با چین هم کوتاه آمد و...!

گفتم: ماشین با یک الاغ تصادف کرده بود و الاغ مُرده بود. یکی مثل ترامپ که نمی‌دانست چی شده، فضولیش گل کرده بود و برای اینکه قُمپز در کنه به جمعیت گفت برید کنار من پدرش هستم! وقتی جلو رفت متوجه شد که متوفی یک الاغ بوده!... هیچی دیگه، سی چهل نفر از خنده روده‌بُر شدند و جان دادند. الاغ هم از خوشحالی زنده شد و گفت من بابامو میخوام!

نکته

کدام فاکتور از فرمول مذاکره حذف شده است؟!

**۱- دیروز دونالد ترامپ در گفت‌وگو با مجله آمریکایی تایم گفت: «فکر می‌کنم ما با ایران به توافق خواهیم رسید» و در ادامه اظهار داشت: «البته اگر نتوانیم به توافق برسیم، من ممکن است با میل خود وارد جنگ شوم»! این روزها و در حالی که مذاکرات غیرمستقیم ایران با آمریکا در جریان است و امروز قرار است سومین دور مذاکرات در عمان برگزار شود، تهدیدهای مورد اشاره را نمی‌توان و نباید نادیده گرفته و از کنار آن به آسانی عبور کرد. روز چهارشنبه هفته قبل در یادداشتی به تحریم‌های سه‌گانه آمریکا که هرکدام دقیقاً در آستانه ۳ دور مذاکره وضع شده بود و نیز به تهدید ایران در گفت‌وگوی تلفنی ترامپ و نتانیاهو اشاره کرده و آورده ب